



جاده

چهارشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۸ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۹۸ | استان تهران و البرز - ۲۰ تومان - دیگر استان ها - ۱۰ تومان

رژه لشکر سلیمانی

مردم ایران در چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با حضور باشکوه

در راهپیمایی ۲۲ بهمن در سراسر کشور جای امام ^(ع) و شهدا به ویژه

شهید حاج قاسم سلیمانی را گرمی داشتند

درنگ

راه همراه نیست

نگهداری راه در شرایط مختلف، چالش‌های مخصوص به خود را دارد و حفظ ایمنی راه در هر فصل، امکانات خاص خود را می‌طلبد. در این میان، نگهداری و حفظ ایمنی راه در فصل زمستان و شرایط برف و کولاک، از دیگر ارایام سال دشوارتر است و نظارت و تمهیدات ویژه‌تری را نیاز دارد. از جمله این که مسؤولان راهداری باید همواره در فصل زمستان امکانات لازم برای برف‌روبی و نم‌ک‌پاشی را به صورت آماده در اختیار داشته باشند تا به محض احساس نیاز از آن استفاده کرده و همچنین در ایام سرد سال از جاده‌های کوهستانی بیشتر مراقبت کنند تا کمتر کسی در این جاده‌ها بر اثر سقوط بهمن، بارش برف و یخبندان در راه بماند.

اما این راهداری ویژه زمستانی به امکانات و ابزارهای مخصوصی نیاز دارد که بدون شك تأمین آنها هزینه‌های اضافی را به وزارت راه و شهرسازی تحمیل می‌کند. این در حالی است که همواره بودجه‌ای که در ایران برای نگهداری از راه‌ها اختصاص می‌یابد، بسیار پایین‌تر از میزان نیاز کشور است و به همین خاطر، کشور ما همه ساله با کمبود تجهیزات ویژه راهداری زمستانی مواجه می‌شود.

از سویی دیگر، مردم ما نیز برای حفظ سلامت و ایمنی خود باید در فصل زمستان و در شرایط برف و کولاک با تجهیزات زمستانه سفر کنند... آنها حتما باید زنجیرهای چرخ را در سفرهای جاده‌ای همراه خود ببرند و از سالم بودن تجهیزات فنی و سیستم گرمایش خودرو اطمینان حاصل کنند. همچنین بهتر است شهروندان در روزهای سرد سال، آذوقه، پتو و البسه گرم به اندازه کافی همراه داشته باشند و در این شرایط، با صبر و حوصله بیشتری رانندگی کنند. در مجموع باید گفت تردد در جاده‌ها در فصل زمستان به خصوص در شرایط برف و کولاک نیاز به همکاری ویژه‌ای بین مسؤولان حوزه حمل و نقل و مردم دارد و اگر این همکاری صورت نگیرد، بدون شك آمار تصادفات جاده‌ای از این نیز بیشتر خواهد شد. از جمله مصادیق این همکاری نیز می‌توان به لزوم توجه شهروندان به خطرهای هوشناسی درباره لزوم کاهش سفرهای غیرضروری هنگام بارش سنگین برف یا باران اشاره کرد.

البته بخش زیادی از مردم به خطرهای هوشناسی توجه می‌کنند، اما اگر حتی یک نفر نیز این مساله را رعایت نکند، بازهم نباید این موضوع بهانه‌ای به دست مسؤولان راهداری بدهد تا ضعف خود در نگهداری از جاده‌های کشور را با آن توجیه کنند. زیرا هنر مسؤولان این سازمان در این است که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز اجازه ندهند در مسیرهای مختلف راه‌بندان ایجاد شود، اما اکنون شرایط جاده‌های کشور به گونه‌ای است که با بارش کوچک‌ترین برف یا باران، بخش زیادی از مسیرهای بین شهری بسته می‌شود که این مساله ضعف ما در زمینه تجهیزات نگهداری از راه را نشان می‌دهد و ربطی به حجم بالای مسافرت‌های مردم ندارد.

همچنین نگرانی از حجم بالای سفرهای شهروندان در روزهای تعطیل به لحاظ اجتماعی هیچ وجهی ندارد و مسؤولان ما به هیچ وجه نباید از این مساله ابراز ناراحتی کنند، زیرا مسافرت‌های زیاد مردم پویایی و سرزندگی آنها را نشان می‌دهد و از قضا، همین سفرهاست که باعث کاهش تنش‌های روانی میان شهروندان می‌شود. از سویی دیگر، روزهای تعطیل معمولاً از قبل در تقویم مشخص شده و شرایط آب‌وهوایی نیز قابل پیش‌بینی است. بنابراین مسؤولان حوزه حمل و نقل باید به جای گلابی از حجم بالای مسافرت‌های برون‌شهری مردم در تعطیلات، کیفیت راه‌ها را ارتقا دهند تا مردم برای سفر جاده‌ای در داپ و هوای گوناگون مشکلی نداشته باشند. ^ع

نگاه

صراط مستقیم انقلاب

یک صبح عادی در خیابان‌های خاکستری تهران، دور امام حسین (ع) گشتیم تا افتادیم در انقلاب. برای کسانی که تجربه‌اش را نداشته‌اند باید بگوییم انقلاب یک راه مستقیم است. وقتی از یک راه مستقیم حرف می‌زنیم، یعنی راهی که مشابه ندارد و پیچ و خم هم ندارد. اگر بخواهیم در دنیای کلمات دنبال مترادفش بگردیم باید از کنار کلمات راه، مسیر، طریق و... بگذریم و به صراط برسیم. صراط یعنی یک راه مستقیم. داشتیم می‌گفتم انقلاب یک راه مستقیم است که به آزادی می‌رسد.

انقلاب پر است از مفازه‌های کتابفروشی و دستفروش‌هایی که کتاب دست دوم بساط کرده‌اند و کافه‌هایی که کنج هر کدام چند نفر با هم بحث و تبادل نظر می‌کنند. راست این خیابان را که بگیری و بروی از قفسه یک کتابفروشی صدای دکتر شریعتی را می‌شنوی که از ابوذر می‌گوید. از گوشه یک کتابفروشی دیگر صدای شهید مطهری را می‌شنوی که حسین (ع) و یزید را معاصر نسلت می‌کند. از پای بساط یک دستفروش، درچه‌ای از تفکرات علامه حکیمی را می‌بینی که به دنیایی بزرگ باز می‌شود.

دنیایی که از همه کتابفروشی‌های جهان بزرگ‌تر است. از کنج یک کافه صدای عقاید فروید و مارکس و شوپنهاور و کانت را می‌شنوی که لا به لای صدای ملاصدرا و شیخ بهایی و حافظ و علامه طباطبایی گم می‌شود. خلاصه هر خیابان گذر یک صنف و کلاست و انقلاب گذر تفکرهاست. اگر به سنگفرش پیاده‌روها نگاه کنی متوجه سرخی خاصی می‌شوی که به رنگ‌های صنعتی نمی‌خورد. یک جور سرخی که به سرخی خون می‌ماند، اما نه آن خونی که بویش دلت را هم می‌زند. شبیه خونی است که رگه رگه لای سبزه‌های یک دشت شقایق ولاله دویده باشد. روی این سنگفرش‌ها که قدم بزنی، انقلاب مستقیم می‌بردت و یک جابا ولی عصر(عج) پیوند می‌خورد.

یک جایی هم در این خیابان مستقیم، میدانی است به همین اسم. میدان انقلاب، میدانی که می‌شود در آن انقلاب را دور زد. کاش این خیابان میدان نداشت. ^ع



علیرضا رافتی

نویسنده

خودنویس

ما نیز مردمیم...

سرمه لااله الا ما گوش‌هایم را کرده بود عین پولکی اصفهان. دست می‌زدی تق می‌کرد و می‌شکست. به خیابان انقلاب رسیدام. از همان قدم‌های اول، چشم تو چشم شده‌ایم. سلام می‌کنم. لبخند می‌زند. همان لبخند همیشگی. میان فریادهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل که صدا به صدا نمی‌رسد. شانه به شانه از هر دری حرف می‌زنیم. موکب‌های دولتی زیادند. دشمن هم گرم که در این سرما همت کرده‌اند و به مردم خدمت

رسانی می‌کنند. به چشم‌هایش نگاه می‌کنم. می‌گویم نکند فردا پس فردا کنار گزارش تصویری مراسم برای مقامات بالا دستشان پول بنر و سیستم صوت و مجری و دکور را دولا پهن‌ا فاکتور کنند و از جیب مردم و از جیب بیت‌المال خرج کرده باشند؟ نمی‌دانم می‌شنود یا نه فقط می‌خندد. یک هیات حوالی ایستگاه شادمان موکب زده جای و خرما می‌دهد. می‌گویم برای شما بگیرم؟ بالبخند سکوت می‌کند که انگار نه... راه می‌افتیم. رئیس جمهور دارد سخنرانی می‌کند. صدایش لا به لای صدای موکب‌های نفتی و شخصی می‌رود و می‌آید. چیزی زیاد متوجه نمی‌شوم. حواسم هست گمش نکنم. سرما حالا کف کش‌هایم را رد کرده خزیده توی ساق‌هایم. نشستام لب جدولی دور میدان آزادی... لبخند زان دور می‌شوی. من نشستام و محو چشم‌های توام... آقای حاج قاسم سلیمانی! جاپتان خالی بود. فقط ببینید کارهایتان را. کاری کرده‌اید هر چقدر هم جمعیت بیاید به جمعیت تشیع‌تان نمی‌رسد.

حرف آخر: آقای جمهوری اسلامی! این مردم در سرما که هیچ، خون داده‌اند تا ۴۰ ساله شدی. اول چلچلی‌ات. حواس‌ت به بعضی از باغبان‌هایت نیست. ۴۰ سال است سرما و گرما و موش‌کباران و تحریم نتوانسته کم‌ران قلندران همیشه پاکار را خم کند و من شاید خیلی کوتاه فکر کم می‌ترسم این آب رفتن سفره‌ها از تو دلخورشان کند. به خدا هیچ جای دنیا، مردمان این شکلی پیدا نمی‌کنی. توقع زیادی که ندارند.

چیزی غیر از آنچه حششان است نمی‌خواهند! قانعند و مستحق بهترین‌ها. اگر ثروت و سرمایه نداشته‌ای نمی‌گفتم. کارگری که فرش تبریز ابریشم می‌بافد حشش این نیست که روی موکت چینی سر بر بالش بگذارد. فرش تبریز نه، کاشان هم نه. ولی یک تخته فرش ماشینی که حشش است، نیست؟ برای مردم‌ت تب کن ببین چطور برایت بمیرند. ^ع



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

یادداشت

انقلاب متفاوت

حضور آگاهانه و مسؤولانه مردم در صحنه، از سال ۴۱ به بعد به تدریج زمینه‌ساز انقلاب اسلامی شد. البته رژیم شاه و متحدانش متوجه این جریان نشدند که این مجموعه، تفکری دارد که از عاشورا الهام گرفته و مبتنی بر رهبری مرجعیتی دینی و سیاسی است.

ترکیب سه گانه مردم، اسلام و رهبری باعث شکل‌گیری انقلاب اسلامی شد. اما غرب گمان می‌کرد با همان شیوه‌هایی که سایر انقلاب‌ها را به انحراف کشانده می‌تواند با جمهوری

اسلامی مقابله کند. بر همین اساس رویارویی غرب با انقلاب اسلامی ایران از صبح ۲۳ بهمن آغاز شد، اما دشمنان انقلاب هر چه به جلو آمدند دریافتند شرایط انقلاب ایران با دیگر انقلاب‌های دنیا تفاوت دارد و هر کدام از طرح‌های توطئه‌آمیز نه تنها شکست می‌خورد بلکه باعث تقویت مردم و انقلاب ایران می‌شود. غربی‌ها وقتی متوجه شدند با جنت نظامی و تحمیل نبردی هشت ساله نمی‌توانند جمهوری اسلامی ایران را در هم بشکنند به حوزه‌های دیگر مواجهه با ایران شامل عرصه‌های جنگ نرم و جنگ در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و روانی روی آوردند و از سویی دیگر جریان تروریسم کور تکفیری را در منطقه سروشکل دادند. این طرح‌ها هم هیچ‌کدام به نتیجه نرسید و در نهایت ۴۰ روز قبل به این نتیجه رسیدند که یکی از فرماندهان مهم مقابله با تروریسم تکفیری را ترور کنند. دلایل دست‌زدن به چنین اقدامی از سویی آنها قدرت‌نمایی در عرصه بین‌الملل و بازسازی مجدد جریان شکست خورده تروریسم تکفیری و همچنین تصور نبود جایگزین برای سردار سلیمانی بود. اما وقایعی که بعد از شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی رخ داد باعث غافلگیری آنها شد. وقایع ۴۰ روز اخیر بار دیگر نشان داد جریان انقلاب با همه انقلاب‌ها و فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. مردم در جریان برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال هم نشان دادند هم به وظیفه خود عمل کردند و هم با همه آرمان‌های انقلاب تجدید بیعت و وفاداری کردند. از سویی دیگر مردم با صدای بلند گفتند جریان انقلاب به فرد بستگی ندارد، بلکه مکتب و تفکری مبتنی بر شهادت است.

راهپیمایی دیروز بازنمایی دوباره سخن معروف امام خمینی (ره) است که می‌فرماید بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود. مردم ما دیروز با همه توان خود در راهپیمایی شکست‌ناپذیر ۲۲ بهمن شرکت کردند تا نشان بدهند با وجود برخی ناپسمانی‌های اقتصادی و شنیدن برخی تحلیل‌های انحرافی، همچنان پای آرمان‌های انقلابی خود می‌ایستند. ^ع



جواد منصوری

استاد دانشگاه

نیازمندی
استان‌های
قم، اصفهان
البرز و کرمانشاه

ضمیمه
رایگان
امروز

ویژه‌نامه
استان‌های
آذربایجان، البرز، خراسان
شمالی، شرق استان تهران
و مازندران

نقد و بررسی: خرمین خانی